



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۵/۱۶



عزیز الله کهگدای

## یادداشتهای حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۶۳

\* امیر عبدالرحمن خان از حد «جویک» که سرچایاب می براید از دریای آمو با اسپ طرف افغانستان گذشت ، اسپ آن هم از اسپ « آبرش » بود که میرآخور خواجه عبدالله احراری بوی تحفه داده بود. یکی از فراریهای امیرمذکور، ایشان عزیز خواجه مسکونه سبرستاق بود . ملا یوسف رستاقی ، اقسقال فیض الله چایابی و محمد اکرم خان بارکزیایی همراي ۴۰ سوار خوانین و جرنیل نصیرخان بلچ از غلامان امیر محمد افضل خان همراي امیر بودند .  
درج ۲ سراج التواریخ صفحه ۳۶۳ مینویسد : سردار عبدالرحمن خان از حصارشادمان ، تنگی قاق قوزقون و خواجه گلگون به سوچه آب مقابل قصبه رستاق خود را رسانده از نهر آمو گذشته در مضافات رستاق فرود آمد .

\* در اول سلطنت امیرمرحوم در قندهار این اشخاص مقرر بودند :  
سردارمحمد هاشم خان ولد امیر محمد اعظم خان بحیث نائب الحکومه .  
سردارشمس الدین خان ولد رحیم داد خان بحیث معاون .  
غلام حیدرخان توخی بحیث قوماندان عسکری  
قاضی سعدالدین خان بحیث قاضی . این ها محمد سرور خان بابا را بحیث شاغاسی خود ساختند .

\* امیر عبدالرحمن خان که بالای مستوفی محمد حسین خان قهرمیشد گاه او را سیه مار میگفت و گاهی می فرمود اینک خانه « خان دوسره » را خریده و آن عبارت از خانه خان شیرین خان « سفارت سابقه روس » بود و چون در هر دو طرف نام خان شیرین خان لفظ خان است آنرا خان دوسره می نامید.

\* مستوفی محمد حسین خان به فقیر احمد خان مچله بن زاهد فالوده پز میگفت: من از جمله مستقدين للموت هستم و مرگ من به گوله میسر نه بلکه بریسمان است . این فقیر احمد خان کسی بود که در مجالس امیر شیرعلیخان و ضیا الملت مسخره گیها مینمود اما در باطن انسان کامل و بچار سیده بود. قبرش در زیارت سید جعفر آغا واقع اندرابی است و معین السلطنه مرحوم لوحه و کتیبه بر آن نصب نموده بود. بلاخره اعیضرت امان الله خان مستوفی مذکور را بروز ۳شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۷ق غرغره کرد.

\* روزی امیرحبیب الله خان به جای مستوفی الممالک واقع سید خیل گل بهار دعوت شده بود چون دیوارهای قلعه مستوفی نهایت ضخیم و پهن بود، امیر حبیب الله خان گفت: دیوار های قلعه را توپ گرد تیار کرده یی؟ مستوفی گفت : برای صاحب توپ این دیوارها را تیار کرده ام .

\* برای امیرحبیب الله خان شهید را پور داده شد که فلان شخص ۳لک روپیۀ شما را خورده است، من بالای اثبات کرده نمی توانم و محض بصورت اطلاع عرض شد . امیر شهید که در اوائل دربار، عرضه چی را درباغ بایر میکرد ، او را به دربار خواست و گفت : این عرض را کرده ئی درحالی که ثبوت هم نمی توانی ، همین شما مردم بودید که امیر مرحوم « امیر عبدالرحمن » را به هم چه راپورها «باز سر دست» خود ساخته بودید .

\* روزیکه امیربا دوازده هزار نفر از سفر دوره ای افغانستان در پنجشیر وارد گشت میرزا عبدالحکیم خان قنات باشی در آن روز ب مردم سیل بین از شیرینی های قنادخانه میداد. مردم به امیر رساندند که قنادباشی شیرینی های قنادخانه را به مردم بخشش کرد . امیر حکم موجودی قنادخانه را داد ، چنانچه تمام شیرینی ها را از جوال ها کشیده کوت کردند، چون از نصف بیشتر آن ب مردم داده شده بود ، قناد باشی را با یکنفر زیر دست آن را قمچین کاری مفصل نموده، زنجیرو زولانه کرد. امیر صاحب بجای مستوفی محمد حسین خان در حسین کوت رسید وبا مصاحبان مزاحاً گفت : امشب

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

این ۱۲ هزار نفر هم رکاب که به خانه های خود میرسند ، آیا در ۱۲ هزار خانه چه حال خواهد بود و چه خوشی و عیشها خواهند کرد .

مصاحبان عرض کردند: قربان! بدون همان دو نفر که زنجیر و زولانه هستند، بیشک همه گی همین طور که میفرمائید عیشی میکنند . امیرصاحب گفت : آن دو نفر را هم رها کنند تا دنگ دنگ همه یک رنگ شوند .

\* چارشنبه ۱۸ جوزا ۱۳۰۰ ش اول عید فطر بود اعلیحضرت امان الله خان درمسجد عید گاه نطقی ایراد فرمودند و راجع به نظامنامه بیاناتی دارند و بعد در سلام خانه درباری نمودند و از نظامنامه اساسی تشکیلات دولتی و نظامنامه تقسیم ولایات برای هر وزیر دو دو دانه نظام نامه دادند .

\* حاجی امین الله خان معین دربار گفت : امیرحبيب الله خان شهید به سردار احمدشاه خان پسر سردار محمد آصف خان مصاحب خاص که در آنوقت همه کاره بود به نظر محبت میدید، اتفاقاً یکروز که امیر درگادی خاص پادشاهی بالا میشد احمد شاه خان دروازه گادی را بشدت و ضربتی پیش کرد که چند شست دست امیر را گرفت و دست وی خون چکان گشت سردار محمد آصف خان پدر احمدشاه خان را تاب نمانده ، سوته چوبی را گرفت و احمدشاه خان را به زدن شد در همان احوال امیرنعره زد که ای سردار برای خدا نزن زیرا از یکطرف اینکه دستم مجروح شده و ازطرف دیگر تو بدلم زخم میزنی .

\* حاجی امین الله خان میگفت: امیرشهید به غیر سردار احمد شاه خان دیگر کسیرا اجازه نمی داد که دریک طبق باوی نان بخورد وبلکه او را میگفت: تو همرايم نان بخور که نان خوردنت خوشم می آید . حاجی امین الله خان همچنین بیان کرد: امیرشهید هر روز یک پُری گشته میخورد و هر پُری آنرا داکتر الله جویا به قیمت هفت صد روپیه میساخت .

حاجی امین الله خان علاوه کرد که موتر امیرشهید کدام روزی در راه لوگر جنپ کرد وکمانی موتر شکست ، حاکم لوگر عظامحمد خان گوش بریده بود ، امیر او را چهل هزار روپیه جریمه کرد.

\* لقب ضیاء الملة و جشن اتفاق ملت در ۱۳۱۴ق تأسیس گردید و این سنه سال چهاردهم جلوس امیرعبدالرحمن خان مرحوم بود . لقب سراج الملة و جشن اتفاق ملت در ۱۳۲۰تأسیس شد و این تاریخ سال دوم جلوس امیرحبيب الله خان شهید بود و در همین روزیکدانه نشان نیز بحضور امیر تقدیم گردید که بسینه خود اوخت . (صفحه ۶ شماره ۲۰ سال اول سراج الاخبار )

\* در تحت عنوان شفقت و مرحمت اعلیحضرت بر سائر ملت محمد بیگ می نویسد: در هر دو شب چراغان به دائره کوتوالی که هم مرکز بلدیة و هم مرکز ضابط را هائزاست، ذات شاهانه تشریف فرما شده با ملت شاهانه تماش و همه بازارها را گردش نمودند. (ص ۳ س ۲۲ سال ۳ سراج الاخبار )

\* در تحت عنوان محکمه اطلاعات – بولک آب و هوا مینویسد : ساعت چهاربجه یوم شنبه ۲ جمادی الثانی ۱۳۳۲ق بعد از باران و باد شدید به تعداد هشتاد درخت زردالوی قریه اجر را از بیخ کنده و به زمین انداخت .

« پایان »